

علی اسلامی پناه^۱

استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی حقوق‌دان پیشکسوت و رئیس سابق دانشکده حقوق دانشگاه تهران که بیش از هفتاد سال از عمر خود را وقف آموزش و پژوهش در عرصه حقوق و عدالت کرده است، شخصیتی شناخته شده در میان حقوق‌دانان کشور ما است. او در طول زندگی خویش شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. پژوهش‌های ایشان پیرامون مسائل حقوقی انسان را به تعجب و آثاری را که ایشان در ادبیات حقوقی ایران خلق به وجود آورده و مورد مراجعه همگان است از او چهره‌ای ماندگار ساخته است. تقدیر از چنین شخصیتی موجب فخر و مباهات است. این مقاله را جهت درج در مجموعه‌ای که به منظور نکوداشت این استاد منتشر می‌شود تقدیم می‌کنم.

چکیده

حقوق مجموعه‌ای از قواعد اجتماعی الزام‌آور است. در فلسفه حقوق، این پرسش مهم مطرح است که راز اطاعت انسان‌ها از قواعد حقوقی چیست و نیروی الزام‌آور قواعد حقوقی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش نظریات گوناگونی ارائه شده است. یکی از نظریات مهم در این زمینه نظریه تاریخی حقوق است که توسط مکتبی به همین نام عرضه شده است. این مکتب که در قرن هیجدهم میلادی در کشور آلمان ظهور کرد واکنشی در برابر اعتقاد به سلطه بلامنازع عقل در مکتب حقوق طبیعی و حکومت بی‌چون و چرای دولت در مکتب حقوق موضوعه بود. طبق تعالیم این مکتب علت الزام‌آور بودن قواعد حقوقی وضع این قواعد از طریق عرف جامعه است. قواعد حقوقی قواعدی هستند که به صورت تدریجی در جامعه شکل گرفته و از سوی همه مردم مورد پذیرش قرار گرفته است. حقوق بازتاب وجدان عمومی یا همان «روح ملت» است. منظور از ملت مجموعه مردمی هستند که در اعصار پیاپی در یک جامعه معین زیسته‌اند طبق این نظریه، چون قواعد حقوقی توسط مردم یک سرزمین معین وضع شده و نسل‌های پیاپی بر آن مهر تأیید زده‌اند، مردم آن سرزمین با وفاداری کامل، به این قوانین پای بند هستند و از آنها اطاعت می‌کنند. این مکتب مورد استقبال گسترده واقع نشد. خورشید اقبال این مکتب زودتر از حد انتظار غروب کرد. در این نوشتار اصول، مزایا، معایب و زوال این مکتب مورد مطالعه قرار گرفته است. کلیدواژه: مبنای حقوق، مکاتب حقوقی، مکتب تاریخی حقوق، مقدمه علم حقوق، فلسفه حقوق.